

۱۴۸۸۹.۵

س. سید

کُوروش کبیر

تألیف:

ہارون آلبرت لمب

ترجمہ:

دکتر صادق رضا زاد سفی

سرشناسه :	لمب، هرولد، ۱۸۹۲ - ۱۹۶۲ م.
	Lamb, Harold
عنوان و نام پدیدآور :	کوروش کبیر / هارولد آلبرت لمب ؛ ترجمه صادق رضا زاده شفق.
مشخصات نشر :	تهران: پیام، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری :	۳۲۰ ص.
شابک :	978-600-97498-9-8
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
ر ض م ع :	کوروش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق.م. -- سرگذشتنامه
م ج ع :	Biography -- King of Persia, The Great, Cyrus
م و ض و ع :	کوروش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق.م. -- جنگ ها
م و ع و ع :	Cyrus, The Great, King of Persia -- Wars
م و ض و ع :	ان -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۵۲۹ ق.م.
م و ض و ع :	Iran -- History -- Achaemenians, 558 - 529 B.C.
شناسه افزوده :	رضا زاده شفق، صادق، ۱۲۷۴ - ۱۳۵۰، مترجم
شناسه افزوده :	Rezazadeh Shafagh, Sa...
رده بندی کنگره :	۱۳۹۶ ۹۰۱/۱۰۶۳ R
رده بندی دیویی :	۱۵۰۹۱
شماره کتابشناسی ملی :	۲۲۲۹۱۲



کوروش کبیر

مستألف: هارولد آلبرت لمب

- ترجمه: صادق رضا زاده شفق
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
- تیراژ: ۵۰ نسخه
- قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-97498-9-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۴۹۸-۹-۸

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخر رازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳

تلفن: ۰۹۳۸۴۱۹۸۹۱۸ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۵	دیباچه رجه
۹	دیباچه
۱۳	یادداشت مؤلف
۱۷	یادداشت مترجم
۲۱	بخش اول: نشیمن
۲۳	بچه‌های دروازه
۳۰	پرتاب یک تیر
۴۱	پیشگویی مغان
۴۵	شهر مرگ
۵۳	سرود غارت نینوا
۵۹	رحم الهه بزرگ
۶۶	کوروش از برج عبور می‌کند
۷۳	بخش دوم: سوگند کوروش
۷۵	مسیر آریایی‌ها
۸۰	سرزمین گود
۸۳	پشم زرین وارتان
۸۶	قبر سکایی
۹۵	کوروش به پاسارگاد عزیمت می‌کند
۹۷	فرمانی از طرف ازدهاک
۱۰۲	انتقام هاریک فرمانده سپاه
۱۱۱	سوگند در تالار مادها
۱۱۹	بخش سوم: گنج کروزوس
۱۲۱	پیشگویی کاهن دلفی
۱۲۴	الهام گویند
۱۳۲	کلاه‌خودی که در ساردیس فرو افتاد
۱۴۱	کوروش با اسارتی‌ها روبه‌رو می‌شود
۱۴۶	حکمای ملطیه
۱۵۰	هاریک شهریان یونیا
۱۵۶	ظهور تحولات بزرگ

۱۵۹	آشفتگی کوروش
۱۶۹	بخش چهارم: در آتش باختری
۱۷۱	کاوی ویشناسیه
۱۷۷	کوروش راه زرتشت را پیش می گیرد
۱۸۰	بلایی که در مهمانی رو آورد
۱۸۴	هیبت ریگزار سرخ
۱۹۱	توسعه خطهای مرزی
۱۹۴	در قله ۱۸
۱۹۷	جای که زرتشت حکومت می کرد
۲۰۳	ماوت کوروش درباره باختریان
۲۱۱	بخش پنجم: بر سقوط می کند
۲۱۳	منظره ۱۸
۲۱۹	برای یعمریانی چای آمد کرد
۲۲۷	آنچه نبوئید پادشاه می شنید
۲۳۲	زندان خدایان
۲۳۸	نظر کرده مردوک
۲۴۳	دروازه نامریی
۲۴۹	قضاوت کوروش
۲۵۴	«من مردم را گرد هم آوردم»
۲۵۸	مراجعت مردان سرودخوان
۲۶۱	بخش ششم: دعوت مغ
۲۶۳	جادهها به سوی دریا می رود
۲۷۴	تاریخ خاموش است
۲۸۱	«هر نوع خدایان دیگر که باشند»
۲۸۵	جنگ در جلگهها
۲۹۱	بخش هفتم: پایان کار
۲۹۳	دولت جهانی
۲۹۸	کوروش و داریوش
۲۹۹	دین هخامنشیان
۳۰۰	راز کشورگشایی ایران
۳۰۲	روبهرو شدن ایرانی با یونانی
۳۰۴	نیاکان ما و خاور و باختر
۳۰۶	راز پاسارگاد
۳۱۰	راز ابتکار
۳۱۳	کوروش و اسکندر
۳۱۴	گواهی گزنفن
۳۱۹	منابع

یادداشت مؤلف

با این که جهان هخامنشیان از ما به مسافت ماه فاصله ندارد با این همه خلاء تاریخی زیاد است. پس این کتاب من نه تاریخی است و نه داستان تاریخی. داستان نویس باید صحنه‌آزی بلد باشد. او می‌تواند برای افراد داستان خود، فعالیت‌های جانبی اختراع کند. می‌نمی‌تواند به خوبی از عهده تعیین جزئیات، نظیر این که آنان صبح‌ها در حریر لباسی می‌پوشیدند و چه نوع ساعت برای وقت‌شناسی داشتند و روزانه چه می‌کردند بیاید، مگر که آنان مخلوقات خیالی باشند. در این کتاب، اهتمام شده است در عالم خیال، به عصر کوروش یعنی بیست و پنج قرن عقب برویم. مطالب آن اختراع شده ولی کوشش به عمل آمده مکتشفات متفرقه که مشعر بر طبایع ملت است به هم آورده شود. کوروش به رسم فرزند یک حکم‌دار کوچک انشان وصف شد، البته اسامی او را از همان تولدش پر از اسرار ساخت و گفت مادر او در واقع ماندانه دختر ایدمان بود و این بچه به دست چوپانان ربوده شد تا نابودش کنند ولی دهقان وفاداری او را نگهداری نمود که بعد شناخته شد. هرودوت داستان اریپیگ (هارپاگوس) را هم به همین شیوه کشد و از خورده شدن گوشت فرزند مقتول، توسط آن سرکرده سخن می‌گوید و معلوم است در این گونه بهم آوردن افسانه‌ها، فقط جزئی از حقیقت تواند بود. تمام اشخاص عمده این کتاب، وجود خارجی داشته‌اند و بعضی دیگر مانند ویشتاسپه از افسانه استخراج شده. نام‌های غیرمهم مانند (امیتش) و (ابرداد) از کتاب گزنفن گرفته شده. در ضبط آن نام‌ها، شکل مشهور اختیار گشته؛ چه ضبط لاتینی باشد، چه یونانی، چه پارسی باستان. ولی در باب نام‌های ایرانی زمان

کوروش، اهتمام شده شکل اصل آن بدون لواحق یونانی داده شود. مثلاً به جای (گبریاس) که ضبط یونانی است (گوبارو) ضبط شده. البته کلمه (پرژیا) از طریق یونانی به ما رسیده که اصل آن پارسه بوده. در باب نام‌های جغرافیایی هم همین اصل رعایت گشته؛ مثلاً می‌جستند و به آن‌ها نام‌های وصفی می‌دادند؛ مانند کوه کبر، یا آب‌های تلخ، یا دریای گیاه؛ چنان که سایر جهانگردان از روزگار دیرین همین کار را کرده‌اند. نام‌های بعضی جاها مانند نام دجله (تیگرس) و فرات (فراتیس) تازه است. مسافت‌ها با میل معین گشته ولی بسا به شکل معمول آن زمان تعیین شده، چه مسافت‌ها پیاده باشد چه سواره. سال نو، هم در ایران، هم در بابل، از ۱۱ ربیع محسوب می‌شد که مصادف با بیستم ماه سپتامبر می‌شود.

فراموش نکنید که ما از آثار پیش از تاریخ بحث می‌کنیم و تمام اخبار راجع به کوروش، به انضمام کتیبه سواره کوروش، بیش از شش صحیفه نیست. به حکم آن اخبار پیشروی کوروش شهر ساردیس می‌توان تعقیب نمود. ولی در باب پیشروی او به مشرق اطلاع در دست نداریم، خود افسانه‌ها هم ظرف ۲۵ قرن تحریف گشته. نام‌هایی مانند عررا و اشبا از تورات به ما رسیده. ادعیه زرتشتی در کتاب سرودهای زرتشتی (گت‌ها) بهمان می‌شود. هرودوت، ایران زمان خود را در حال انحطاط می‌دید (چنان که خواب او هم مانند کتزیاس، دیودوروس، و فلوپرخوس همین عقیده را داشتند). استرابون ضمن تعلق خاطری که به جغرافی دارد، فقراتی از روایات قدیم‌تر به دست ما رسیده. در شاهنامه، اصلاً کوروش میان داستان آفرینش و کارهای جمشید در نزاع ایران و توران پدیدار نیست. جالب نظر این است که باستان‌شناسان در پرده برداشتن از آثار هخامنشیان، ما را در باب کوروش واقعی روشن کرده‌اند. من هیچ‌گاه ساعات مصاحبه با هرتسفلد را موقعی که در تخت جمشید عملیات می‌کرد و ایامی را که با کامرون در کوه‌های ماد گذراندم فراموش نخواهم کرد و از ملاحظات خردمندانه (جان روزنفلد) در باب این قسمت پایان سخن سپاسگزارم.

تصادفاً موقع جنگ دوم، مرا به سرزمین بین ترکیه و افغانستان که وقتی مرکز کشور هخامنشی بود، فرستادند. در آن موقع، کاوش‌های باستان‌شناسی بر روی همه باز بود و من ساعات خوش فارغی صرف بازدید موزه‌های بغداد و تهران و

مطالعه کتاب‌های باستان‌شناسی کردم و در همان سده سال در باب تدوین زندگی کوروش فکر کردم که از مکتشفات باستان‌شناسی به هم آورده شود. در زمان کوروش، این منابع نه غریب بود نه نامربوط. آن وقت شاعران آریایی از سنتی یاد می‌کردند و شعر می‌ساختند که آن را واقعی می‌دانستند و سرودهای زرتشتی در نتیجه رؤیای فدیه و کفاره انسانی به وجود آمد. اشعیا امیدواری‌های خود را در راه نجات قوم خود می‌سرود و اقوام دیگر گمنام در شکست یا پیروزی زندگی می‌کردند. در چنین زمانی، کوروش شاه کوچک ایشان بود.

در آن هنگام نه مغرب زمین بود نه مشرق زمین. کلمات اروپا و آسیا هنوز به قالب نزد شده بود. روز اغراض بر ضد هر آن چه طرف مشرق آتن باشد، به وجود نیامده بود. پیش از روزی بود که کارآگاه نامی یعنی (شرلوک هلمس) لازم دانست نظر خوانندگان خود را به این نکته جلب کند که:

«در دیوان حافظ همان اندازه معنی هست» که در اشعار هوراس هست.^۱

۱. Horace شاعر رومی که قریب چهارده قرن پیش از حافظ زندگی می‌کرد.